مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال دوازدهم ، شماره ٤، پاییز زمستان ۱۳۹۹، شمارهٔ پیاپی ۲۳

Doi: 10.22067/jlkd.2021.68453.1009

# استعاره‌های عمدی در متون خبری زبان فارسی

**مریم مولایی (دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد آباده، آباده، ایران) (نویسنده مسئول)**
**محمد امین صراحی (استادیار گروه زبان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان، رشت، ایران)**
**محمد رستم‌پور (استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلام واحد آباده، آباده، ایران)**

صص: ۱۷۵-۱۵۳

## چکیده

تا چندین دهه، پژوهش‌های زبان شناسان شناختی علاقمند به مطالعات استعاره به تشخیص وتوصیف استعاره‌ها و همچنین توضیح دو بعدی بودن ارتباط ذهن و زبان اختصاص داشت. اما مطالعات استین (۲۰۰۸) در باب الگوهای استعاری نشان داد که بعد سومی نیز در رابطه با بعضی استعاره‌ها وجود دارد که براساس نظریه‌هایی که برسرشت دو بعدی استعاره‌ها تاکید دارند قابل توضیح و تبیین نیستند. پیشنهاد استین برای اضافه کردن بعد سوم که همان جنبه ارتباطی[1]استعاره‌هاست بر پایه یافته‌های پژوهش‌های روانشناسی زبان و نیز تحلیل‌های زبان‌شناسی پیکره‌ای می‌باشد. در بعد سوم که بر جنبه ارتباطی استعاره تاکید دارد، تمایزی میان استعاره‌های عمدی واستعاره‌های غیرعمدی وجود دارد. هدف از انجام این پژوهش نیز معرفی نظریه استعاره های عمدی با مطالعه عنوان های خبری سه روزنامه کثیرالانتشار همشهری، کیهان و شرق در چارچوب نظریه استعاره های عمدی استین (۲۰۱۵) می باشد. نتایج این تحقیق علاوه بر تاکید بر ساختار سه بعدی استعاره و نقش ارتباطی استعاره های عمدی در تبادل اطلاعات که در مطالعات استعاری پیشین نادیده گرفته شده بود، نشان می دهد که در متون خبری نیز مانند بسیاری از حوزه های دیگر، گاهی اوقات استعاره ها به صورتی کاملا عمدی به کار برده می شوند تا بتوانند علاوه بر جلب توجه مخاطب، موضوع مورد بحث را نیز توصیف کنند و توضیح دهند.

---

۱. communicative

تاریخ دریافت :۱۳۹۹/۱۱/۰۱     تاریخ پذیرش : ۱۳۹۹/۱۲/۲۳

پست الکترونیکی: ۱. marmar942@yahoo.com   ۲. Sorahi@hotmail.com

کلید واژه‌ها: استعاره، استعاره عمـدی، اسـتعاره غیـر عمـدی، حـوزه مبـداء، زبـان شناسـی شناختی

**۱. مقدمه**

از زمان تولد زبان‌شناسی شناختی در دهه ۷۰ میلادی، استعاره همواره به عنوان یکی از مهـم-ترین موضوعات اصلی در این حوزه مورد توجه بوده‌است. بـرخلاف نظریـه کلاسـیک اسـتعاره که استعاره را موضوعی صرفا ادبی و زبانی می‌داند، نظریه معاصر ادعا می‌کند کـه نظـام ادراکـی انسان سرشتی استعاری دارد و استعاره به شکلی ناخودآگـاه و گـاهی غیراختیـاری، در زنـدگی انسان به‌کار می‌رود.

استعاره‌ها صراحتا به ارتباط میان ذهن، زبان و فرهنگ می پردازند. این دیدگاه نخسـتین بـار با انتشار کتاب *استعاره هایی که با آنها زندگی می‌کنیم* توسط لیکـاف و جانسـون در آغـاز دهـه هشتاد میلادی مطرح شد که از آن پس به عنوان نظریـه معاصـر اسـتعاره شـناخته مـی‌شـود. بـه عقیده ایشان، استعاره ابزاری برای مفهوم سازی یک موضوع انتزاعی براساس تجربـه‌ای معمـولا ملموس‌تر است . نظریه استعاره‌های مفهومی، استعاره را به‌عنوان اصطلاحات زیربنـایی ذهنـی و ابزاری شناختی تعریف می‌کند که به افراد اجـازه تفکـر، درک و بیـان یـک مفهـوم را در قالـب مفهومی دیگر می‌دهد.

در سال‌های اخیر، تحقیقات درزمینه نظریه استعاره‌های مفهومی گرایش فراوانـی بـه اسـتفاده از رویکردهای استعاری با منشاء منطقی داشته است. در این راستا، محققـان بـه نقـش غیرقابـل انکاراستعاره در ارتباط با کاربردهای متفاوت آن در تحلیل گفتمان و تجزیه و تحلیـل کـلام پـی برده‌اند که از آن جمله می‌توان بـه کـاربرد اسـتعاره در توضـیح دادن، شـفاف نمـودن، بـا مثـال فهمانـدن، و توصـیف و تبیـین نمـودن اشـاره کـرد (Müller, 2008; Goatly, 1997; Cameron, 2003; Semino, 2008; Steen, 2008, 2011).

استعاره همواره به عنوان ابزاری ارتباطی میان دو اندیشه عمل می‌کند: بـدین معنـا کـه آنچـه توسط گوینده از طریق استعاره بیان می‌شود، انتقال مفاهیم به ذهن شنونده است. در عـین حـال، زبان‌شناسان همواره به دنبال درک شیوه عملکرد استعاره از طریق بازنمودهای زبـانی آن هسـتند. استین (١٩٩٤) استعاره‌های نهفته در ذهن را استعاره مفهومی و نمود زبانی آنهـا را اسـتعاره‌هـای

زبانی[1]می‌نامد، بنابراین استعاره‌های زبانی تظاهر فیزیکی و بازنمود استعاره‌های ذهنی هستند (Deignan,2005:14).

تا چندین دهه، پژوهش‌های زبان شناسان شناختی علاقمند به مطالعات استعاره به تشخیص وتوصیف استعاره و همچنین توضیح دو بعدی بودن ارتباط ذهن و زبان اختصاص داشت. اما مطالعات استین (۲۰۰۸) در باب الگوهای استعاری نشان داد که بعد سومی نیز دررابطه با بعضی استعاره‌ها وجود دارد که براساس نظریه‌هایی که برسرشت دو بعدی استعاره‌ها تاکید دارند، قابل توضیح و تبیین نیستند. پیشنهاد استین برای اضافه کردن بعد سوم که همان جنبه ارتباطی استعاره‌هاست، بر پایه یافته‌های پژوهش‌های روانشناسی زبان و نیز تحلیل‌های زبان-شناسی پیکره‌ای می‌باشد.

در بعد سوم که بر جنبه ارتباطی استعاره تاکیددارد، تمایزی میان استعاره‌های عمدی واستعاره‌های غیرعمدی وجود دارد. براساس استین (۲۰۱۵)، استعاره زمانی عمدی است که ساختار آن به مخاطبین، حرکتی آنی از حوزه مقصد بیان یا عبارت به حوزه مبدایی که توسط اصطلاح استعاری مربوطه برانگیخته شده است را داشته باشد. به‌عبارت دیگر، در استعاره‌های عمدی، حوزه مبدا، قسمتی از الگویی است که جایگزین بیان یا متن می‌شود. برعکس، استعاره زمانی غیرعمدی است که حوزه مبدا قسمتی از مدل و جایگزین بیان یا متن نباشد ( Steen, ۲۰۱۷).

تا آنجا که نویسندگان اطلاع دارند، تا کنون پژوهشی درزمینه استعاره‌های عمدی در زبان فارسی انجام نشده است. بنابراین، هدف اول این مقاله معرفی استعاره‌های عمدی و طریقه تشخیص آنها از استعاره‌های غیرعمدی است. هدف بعدی ما نشان دادن کاربرد استعاره های عمدی با استفاده از نمونه‌هایی از استعاره‌های عمدی درمتون خبری فارسی است. به این منظور، داده‌های این پژوهش از عنوان های خبری صفحه اول روزنامه‌های کثیرالانتشار همشهری، کیهان، وشرق که از مهرماه سال ۱۳۹۷ تا شهریور ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است، جمع‌آوری شدند تا در چارچوب نظریه استعاره‌های عمدی (Steen, 2008, 2015) تحلیل شوند.

۱. Linguistic metaphor

## ۲. پیشینه تحقیق

فصل مشترک تمام تحقیقات شناختی که از آغاز دهه هشتاد تا کنون در بـاره اسـتعاره انجـام گرفته است، این است که استعاره‌ها زینتی نیستند، انحراف ندارند و توسط اشخاص بخصوصـی اسـتفاده نمـی‌شـوند (Beger, 2011; Gibbs and Chen, 2017; Musolff, 2016).. استعاره‌های عمدی موضوع جدیدی در پژوهش‌های استعاره است که در اواخر دهه نود توسـط تعدادی از پژوهشگران این حوزه معرفی شـد (Goatly, 1997؛ Shen and Balaban, 1999 ۱۹۹۹؛ Cameron, 2003; Char-tris-Black and Musolff, 2003؛) و بـا دغدغـه اصـلی پژوهش‌های رایج استعاره که بر مرسوم و قـراردادی بـودن، خودکـار بـودن و ناخودآگـاه بـودن تاکید دارند در تقابل است (Lakoff and Johnson, 1980, 1999; Gibbs, 1994, 2008).

به عنوان نمونه‌ای از این تحقیقات، بگر (۲۰۱۱) کاربرد استعاره‌های عمـدی در تحلیـل‌هـای دانشگاهی را بررسی کرده‌است. در این پـژوهش، اسـتعاره‌هـایی ماننـد اسـتعاره‌هـای مسـتقیم و غیرمستقیم، استعاره‌های جدید و استعاره‌های متداول که به صورت بالقوه می‌توانستند بـه عنـوان استعاره های عمدی به‌کار برده شوند، در سه سخنرانی دانشگاهی مـورد تجزیـه و تحلیـل قـرار گرفتند. هدف از انجام این مطالعه ارائه شیوه‌ای برای تشـخیص اسـتعاره‌هـای عمـدی و تحلیـل اهدافی بود که از به‌کار بردن این استعاره‌ها در سخنرانی‌های دانشگاهی حاصل مـی‌شـود. نتـایج این تحقیق نشان می‌دهد که استعاره‌های عمدی ابزار قدرتمندی برای اسـاتیدی محسـوب مـی-شوند که سعی دارند به دانشـجویان خـود دیـدگاه‌هـای علمـی و جدیـد را بـر مبنـای واژگـان ناملموس ارائه دهند.

استین (۲۰۱۳) به اثبات ساختار استعاره های عمدی که موجب شناخت استعاره آگاهانه مـی باشند، پرداخته است. وی معتقد است که علاوه بر اندیشه استعاری آگاهانه، تمامی استعاره‌هـای عمدی در تسهیل تعاملات فرهنگی و اجتماعی نقش دارند. وی قـدرت اسـتعاره را نـه تنهـا در کاربرد ناخودآگاه آنچنان که این تئوری ادعا کرده است، بلکه در بعدآگاهانه و بـه بیـان کلـی در کاربرد عمدی آن می‌داند.

گیبز(۲۰۱۱) معتقد است که استعاره‌هـای عمـدی از اسـتعاره‌هـای ابـداعی کـه بـه صـورت خودکار و موضوعی، بدون تفکر و در آن واحد ساخته می‌شوند، تفـاوت دارد. وی در مقالـه‌اش

بعضی از فرضیه‌های رایج در مورد استعاره عمدی در علوم شناختی در حوزه معنی و عملکرد آگاهانه بشر را مورد بررسی قرار داده است.

موسلف (۲۰۱٦) به تفاوت‌های میان استعاره‌های عمدی و غیرعمدی می‌پردازد. در این پژوهش که در ده کشور مختلف انجام شده است، به تفسیر گویشوران از استعاره‌هایی مانند *یک ملت یک تن است* و *یک ملت یک شخص است* پرداخته می‌پردازد. از کاربران زبان دوم که دارای پیشینه زبانی یا فرهنگی متفاوت بودند خواسته شد که اصطلاح استعاری بدن را درمورد ملت خود به‌کار گیرند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هیچ کدام از یافته‌ها توسط الگوی مفهومی که به درک استعاره به‌صورت خودکار و ناآگاهانه اشاره دارد، قابل پیش بینی نمی باشد. در عوض زمانی که یک گوینده قصد انتخاب از میان تنوعات تفسیری متفاوت را دارد، بیشتر این کار را با هدف تاثیرات منظورشناختی انجام می‌دهد. یافته‌های این تحقیق شواهد متعددی را در حمایت از نظریه استعاره‌های عمدی ارائه می‌دهد.

تا آنجا که بررسی پژوهشگران این تحقیق نشان می‌دهد، تا کنون پژوهشی در زمینه استعاره‌های عمدی در زبان فارسی در ایران انجام نشده است.

### ۳. چارچوب نظری

از آغاز دهه هشتاد میلادی، نظریه استعاره‌های مفهومی (Lakoff and Johnson, 1980) چارچوب نظری غالب در تحقیقات استعاره در دنیا بوده است (Gibbs, 2011). یکی از ادعاهای اصلی این نظریه این است که نظام مفهومی ما تا حد زیادی استعاری است، و اینکه تمام استعاره‌هایی که در زبان به‌کار برده می‌شوند، صورت‌های زبانی استعاره های زیربنایی هستند که جایگاه‌شان اندیشه است. به دلیل این تاکید زبانی–شناختی بر سرشت مفهومی استعاره ( Lakoff and Johnson, 1980, 1999; Kövecses, 2002 ;Gibbs, 1994; Ortony, 1993;)، به‌نظر می‌رسد نقش متمایز استعاره به‌عنوان ابزار ویژه ارتباطی کمتر مورد توجه قرارگرفته است. اما اخیرا پژوهشگران حوزه استعاره با زمینه‌های مختلف علمی معتقدند که باید نظریه زبانشناختی- شناختی ارائه شود که از تاکید بر سطوح زبانی و اندیشگانی استعاره گذرکند و بتواند زمانی که استعاره به‌عنوان استعاره در ارتباطات به‌کار برده می‌شود را توضیح دهد ( به‌عنوان مثال، Cameron, 1999, 2003؛ Charteris-Black and Musolff, ۲۰۰۳؛ Deignan, 2005; Müller, 2008؛ Steen, 2008, 2011, 2015). تقریبا نظریه-

های ارائه شده توسط این پژوهشگران حوزه استعاره، دو بعد زبان و تفکر را به‌عنوان اساس الگوی دوبعدی زبان – تفکر که توسط لیکاف و جانسون (۱۹۸۰) ارائه شد، قبول دارند ولی معتقدند برای اینکه بتوان استعاره‌هایی که به‌صورت عمدی به‌عنوان استعاره به کار برده می شوند را توضیح دهند، نیاز به اصلاح این الگوی دو بعدی و اضافه کردن بعد سومی است که بر نقش ارتباطی اینگونه استعاره‌ها تاکید دارد.

از میان این نظریه‌ها، نظریه پیشنهادی استین (۲۰۰۸، ۲۰۱۱، ۲۰۱۵) توجه بسیاری از پژوهشگران استعاره را به خود جلب‌کرده است (Charteris-Blac, 2012؛ Deignan, ۲۰۱۱؛ Gibbs, 2011, 2015؛ Müller, 2011, 2016 ؛ Musolff, 2016). در این الگوی سه‌بعدی که به‌عنوان نظریه استعاره‌های عمدی شناخته شده است، استعاره فقط به‌عنوان عبارت زبانی یک ساختار استعاری زیربنایی که در اندیشه جای دارد درنظر گرفته نمی‌شود، بلکه ابزاری ارتباطی میان کاربران زبان است. در بعد سوم، میان استعاره‌هایی که به‌عنوان استعاره به‌کار برده می‌شوند و به آنها استعاره‌های عمدی می‌گوییم، و استعاره‌هایی که چنین نقشی ندارند و استعاره‌های غیرعمدی نامیده می‌شوند، تمایز قائل می‌شویم.

در نظریه استعاره‌های عمدی، استعاره فقط به‌عنوان ساختاری مفهومی (استعاره در اندیشه) که به‌صورت زبانی (استعاره در زبان) بیان می‌شود درنظر گرفته نمی‌شود، بلکه موضوعی ارتباطی میان کاربران زبان (استعاره در ارتباط) است. این نظریه، میان اندیشه، کلماتی که برای بیان آن اندیشه به‌کار برده می‌شوند، و اشخاص، چیزها، یا رویدادهای دنیا که کلمات به آنها اشاره می‌کنند تمایز قائل می‌شود.

همانطور که گفته شد، استعاره‌های عمدی موضوع جدیدی در پژوهش‌های مربوط به استعاره است که با دغدغه اصلی پژوهش‌های رایج استعاره که برمرسوم و قراردادی بودن، خودکار بودن و ناخودآگاه بودن تاکید دارند (Lakoff and Johnson, 1980, 1999؛ Gibbs, 1994, 2008) در تقابل است. در واقع استعاره بیشتر اوقات مرسوم، خودکار و ناخودآگاه است، اما بعضی استعاره‌ها اینگونه نیستند و سوالی را بوجود می‌آورند که استعاره چه زمانی عمدی است؟ به‌علاوه، آیا می‌توان دلیل اینکه چرا گاهی استعاره‌ها به‌صورت عمدی به‌کار برده می‌شوند را توضیح داد؟ اینها سوالاتی هستند که درعین اینکه از یافته‌های پژوهش-

های غنی که تاکنون در زمینه استعاره انجام شده است بهره می‌برند، بـر نقـش ارتبـاطی اسـتعاره نیز تاکید دارند (Steen, 2008).

بحثی که اینجا مطرح می‌شود این است که استعاره عمدی بوسیله خصوصیتی تعریـف مـی-شود که برای مخاطب خود هیچ انتخاب دیگری بجز نگاشت بـین‌حـوزه‌ای آگاهانـه‌ای را بـاقی نمی‌گذارد. این استدلال را می‌توان برای همه استعاره‌های مستقیم از جمله تشبیه نیز به‌کار بـرد. از آنجا که استعاره‌های مستقیم در گفتمان وجود ندارد، به‌نظر می‌رسد می‌توان پیش‌بینی کرد کـه استعاره‌های عمدی زیادی نیز در گفتمان وجود نداشته باشد که به نوبه خود با تاکیـد پـژوهش-های معاصر استعاره بر این کـه اسـتعاره مرسـوم، خودکـار و ناخودآگـاه اسـت سـازگاری دارد. بنابراین موضوع وضعیت اصلی در مورد استعاره می تواند این باشـد کـه اسـتعاره غیـر عمـدی است.

به هر روی، با وجود اینکه الف) استعاره معمولا غیرعمدی اسـت، و ب) براسـاس تعریـف، زمانی عمدی است که مستقیم باشد، به این معنی نیست که ج) همه استعاره‌های غیرمستقیم هـم همیشه غیرعمدی هستند. این هم درست نیست که استعاره‌هـای مرسـوم هـیچ‌گـاه نمـی‌تواننـد عمدی باشند. مردم می‌توانند استعاره‌های غیرمستقیم و مرسوم را به روش‌های کاملا عمدی بـه-کار ببرند. این امکان به وضوح نشان مـی‌دهـد کـه اسـتعاره دارای سـه بعـد[۲]اسـت: بعـد زبـانی مستقیم یا غیرمستقیم بودن، بعد مفهومی مرسوم بـودن و بعـد ارتبـاطی عمـدی بـودن. بنـابراین بجای الگوی دوبعدی زبان و اندیشه که تاکنون برای استعاره مطرح شـده اسـت، بـرای توضـیح کارکرد استعاره به الگوی سه‌بعدی زبان، اندیشه و ارتباط نیاز داریم(Steen, 2008).

برای توضیح بیشتر، به مثـالی کـه از ریجنیـرز (۲۰۱۷) گرفتـه شـده اسـت توجـه فرماییـد. همزمان با بحران اقتصادی اروپا در سال ۲۰۰۷–۲۰۰۸، وزیر اقتصاد و دارایی هلند بدون اجـازه مجلس این کشور، برای جلوگیری از ورشکستگی یکی از بزرگترین بانک‌های ایـن کشـور، بـا هزینه‌ای بالغ بر ۱٫۷ میلیارد یورو این بانک را ملی اعلام کرد. چنـد سـال بعـد، کمیتـه تفحـص مجلس آن کشور اعلام کرد که آقای وزیر دررابطه با این موضوع باید نظر مجلس را جویا مـی-شد. یک روز بعد از انتشار گزارش مجلس، آقای وزیر را به برنامه تلویزیـونی دعـوت کردنـد و در آن برنامه برای توضیح کار خود جملات زیر را به کار برد:

---

۲ Conventional

۱.وقتی که *گروه آتش‌نشانی* دارند *آتشی* را *خاموش می‌کنند*، آنها هم اول جلسه برگزار نمی‌کنند....آنها هم اول آتش را خاموش می‌کنند. و این همان کاری است که من باید می‌کردم.

در این مثال، وزیر وضعیت خود در آن زمان را به‌صورت وضعیت یک گروه آتش‌نشانی توصیف می‌کند: دقیقا همانطور که یک گروه آتش نشانی کاری که برای خاموش کردن آتش لازم است را انجام می‌دهند، آقای وزیر تصمیم گرفت که پول مالیات را برای جلوگیری از ورشسکست شدن بانک هزینه کند. و دقیقا همانند یک گروه آتش نشانی که در ابتدا به درنظر گرفتن مزایا و معایب روش‌های مختلف خاموش‌کردن آتش نمی‌پردازند، وزیر نیز نظرات مختلف مجلس را برای انتخاب بهترین راه‌حل برای جلوگیری از ورشکستگی جویا نشده است. با توصیف یک چیز (حوزه مقصد؛ در این مورد روش آقای وزیر برای ملی اعلام کردن بانک) براساس چیز دیگری (حوزه مبداء؛ در این مثال کار یک گروه آتش نشانی)، وزیر از نوع خاصی استعاره برای توجیح اقدامات سیاسی خود استفاده می‌کند.

در این مثال، آقای وزیر با مقایسه مستقیم اقدام خود با کار گروه آتش نشانی، از استعاره به‌عنوان استعاره استفاده کرده است. به عبارت دیگر، در این مثال، از استعاره به عنوان ابزار ویژه بلاغی در ارتباط میان وزیر پیشین اقتصاد و مجری برنامه تلویزیونی و به‌صورت غیر مستقیم میان وزیر و مالیات‌دهندگانی که برنامه را از تلویزیون تماشا می‌کنند به کار رفته است.

حال اگرآقای وزیر به سوال مجری برنامه اینگونه جواب می‌داد:

۲.باید بانک را *نجات می دادم*، درغیر این صورت ورشکسته می‌شد.

مثال (۲) نیز دارای استعاره است: فعل "*نجات دادن*". این استعاره حوزه مقصد "جلو یک بانک را از ورشکسته شدن گرفتن" به شکل "نجات دادن یک انسان از یک موقعیت خطرناک" است. ولی در مقایسه با استعاره در مثال اول، هیچ اشاره و دلیلی وجود ندارد که نشان دهد استعاره در مثال (۲) به‌عنوان استعاره در ارتباط میان وزیر و مجری میزبان یا شنوندگان به عمد به‌کار رفته است. بلکه استعاره معمولی است که مردم هنگام سخن گفتن از جلو سقوط تجارتی را گرفتن به‌کار می‌برند. بنابراین، استعاره در مثال دوم به‌عنوان استعاره خاصی جهت ایجاد ارتباط به‌کار نرفته است و به همین دلیل، تاثیر ارتباطی متفاوتی نسبت به استعاره مثال اول دارد.

به‌نظر می‌رسد تعریف کاربردی و مبتنی بر نشانه‌شناختی استعاره‌های عمدی می‌تواند روشن سازد چگونه توجه به حوزه مبداء که مشخصه اصلی استعاره عمدی در نظریه استعاره‌های عمدی است را می‌توان در کاربرد زبان مشاهده کرد. از دیدگاه نشانه‌شناختی، سه بعد استعاره را می‌توان به تمایز میان نماد[۳] مفاهیم[٤] و ارجاع متناظر ساخت. برای اینکه استعاره‌ای به‌طور بالقوه عمدی درنظر گرفته شود، نه تنها باید به‌عنوان یک واژه حوزه مبداء در سطح زبانی معنای پاره‌گفتار و درنتیجه مفهوم حوزه مبداء در سطح مفهومی تشخیص داده شود، بلکه باید مرجع حوزه مبداء را در وضعیتی که توسط پاره‌گفتار تخصیص داده می‌شود، تعیین کند (Steen, 2017). به عبارت دیگر، استعاره زمانی عمدی است که حوزه مبداء نقش مهمی در نشان دادن معنای ارجاعی پاره‌گفتار داشته باشد.

در مثالی دیگر،

۳.*میدان جنگ سیاسی* پر شده از *اجساد سپاهیان*.... بوم...بوم ...بوم

اسم "اجساد" در سطح زبانی معنای پاره‌گفتار به استعاره مرتبط است، زیرا از حوزه‌ای متفاوت از حوزه مقصد پاره‌گفتار (سیاست) می آید. به همین دلیل، "اجساد" در سطح مفهومی معنای پاره‌گفتار نیز استعاری است: مفهوم "*اجساد*" از حوزه متفاوت از حوزه مقصد "*سیاست*" می‌آید. فرهنگ بزرگ سخن برای کلمه "جسد" معانی "جسم جانور مرده" و "تن، بدن، کالبد" را ارائه می‌دهد که با حوزه مقصد سیاست تناسب ندارد. در سطح ارتباطی، "اجساد" مرجع حوزه مبداء را در معنی پاره‌گفتار فراهم می‌کند و بدینوسیله منظر جدیدی را برای حوزه مقصد سیاست معرفی می‌کند. نهایتا "اجساد" به عنوان استعاره عمدی بالقوه شناسایی می‌شود. "میدان جنگ" عبارت زبانی دیگری است که به‌صورت استعاره عمدی به کار رفته است.

در مدل سه بعدی که به‌عنوان نظریه استعاره‌های عمدی[۵]شناخته شده است، استعاره نه تنها به عنوان اصطلاحی زبانی که ساختار استعاری ذهنی دارد، بلکه به عنوان موضوع ارتباطی بین کاربران زبانی درنظر گرفته می‌شود. در بعد سوم، تمایزی میان استعاره‌هایی که از روی عمد به‌عنوان استعاره به‌کار می‌روند (استعاره عمدی) و استعاره‌هایی که چنین عملکردی ندارند

---

۳ Conventional

٤ concepts

٥ DMT (Deliberate Metaphor Theory)

(استعاره غیرعمدی) گذاشته می‌شود. در نظریه استعاره‌های عمـدی ( Steen, 2008, 2011, ۲۰۱۵)، استعاره نه‌تنها به‌عنوان موضوع ساختاری مفهومی که در شکل زبـانی بیـان شـده اسـت، بلکه به‌عنوان موضوع ارتباطی بین کاربران زبان (استعاره در ارتباط) بررسی می‌شود.

در بعد ارتباطی دیدگاه سه‌بعدی استعاره، میان استعاره‌های عمدی و غیر عمدی تمـایز قائـل می‌شود. زمانی که استعاره به‌صورت عمدی مورد استفاده قرار می‌گیرد، دیدگاه مغایر یا متفـاوتی با موضوع بیان شده دارد، به این معنی که "مخاطب باید بـه‌صـورت آنـی تـوجهش را از حـوزه مقصد پاره‌گفتار یا عبارت بـه حـوزه مبـدائی بکشـاند کـه توسـط عبـارت مربـوط بـه اسـتعاره فراخوانده می شود" (Steen, 2015: 68). در مقابل، استعاره زمانی غیرعمـدی اسـت کـه بـه‌عنوان استعاره در ارتباط بین کاربران زبان به‌کار برده نمی‌شود. از نظر ارتباطی، تمرکـز اسـتعاره‌های غیرعمدی بر روی موضوع باقی می‌ماند و گیرنده پیام مجبور به دنبـال کـردن حـوزه مبـدا بیان استعاری نمی‌باشد (Steen, 2011).

مقدمه‌ای که بر الگوی سه‌بعدی استعاره و نظریه استعاره‌هـای عمـدی بیـان شـد، منـاظره‌ای جدی را میان پژوهشگران استعاره بوجود آورده است. این مناظره اساسا در رابطه بـا ایـن سـوال است که یک استعاره باید به‌طور دقیق چه معنایی بدهد یا چه کارکردی داشته باشد تـا اسـتعاره عمدی درنظر گرفته شود. امروزه هر کدام از متخصصین مطالعات استعاره، به شیوه‌ای نظـرات و انتقادات خود را درمورد این نظریه بیان می‌کنند. بعضی از آنها نظریه استعاره عمـدی را رد مـی‌کنند، زیرا هوشیاری عمدی، چیزی که به سختی فراهم می‌شود و تقریبا هرگز اتفـاق نمـی‌افتـد، برای این نوع استعاره عمدی لازم اسـت (Gibbs, 2011, 2015). دیگـران اسـتعاره عمـدی را هرگز به عنوان یک طبقه مجزا قبول ندارند و آن را جزئی از استعاره‌ها مـی‌داننـد، هـر چنـد کـه قویترین مخالفان، به کاربرد عمدی استعاره‌ها واقف هستند و آنها را در ارتباطات مـورد بررسـی قرار می‌دهند (Gibbs, 2015). با این حال، مطالعات جدید نیاز به الگوی سه بعدی اسـتعاره را نشان داده است که در آن به تفاوت بین استعاره‌های عمدی و غیرعمدی می پـردازد و از آن بـه عنوان یک استعاره بین کاربران زبان یاد می‌کند و سوالات جدیدی را دربـاره سـاختار، عملکـرد و فرایندهای استعاره در استفاده از زبان و عمل آنهادر گفتمان مطرح می‌نماید.

اولین قدم در تشخیص استعاره‌های عمـدی ، تشـخیص اسـتعاره بـودن عناصـر واژگـانی و کلامی به‌کاررفته در متن است. روش تشخیص کاربرد استعاری واژگان در تحلیل گفتمـان طبـق

الگویی توسط گروهی از زبان‌شناسان تحت عنوان گروه پراگلجاز (۲۰۰۷) معرفی شده است تا روشی قابل انعطاف، قابل اعتماد و واضح را تحت عنوان "روند تشخیص استعاره" برای تشخیص ماهیت استعاری واژگان بکار رفته در زبان نوشتاری و گفتاری ارائه دهند. در الگوی روند تشخیص استعاره، مراحل زیر به ترتیب انجام می‌پذیرد:

۱. تمام متن/ گفتمان باید بطورکامل خوانده شود و یا شنیده شود.

۲. واحدهای واژگانی در متن/ گفتمان تعیین می‌گردد.

۳. الف) معنای بافتی هر واحد واژگانی به‌کاررفته در متن تعیین می‌گردد. یعنی مشخص شود که این واحد واژگانی چگونه به یک شئ، رابطه، خصوصیت، و چیزهای دیگر در بافت معنایی دلالت می‌کند. به آنچه قبل و بعد از واحد واژگانی بکار برده می شود باید توجه کرد.

ب) در مورد هر واحد واژگانی باید نشان داده شود که آیا این واحد واژگانی معنای معاصر اصلی‌تر و رایج تری در بافت‌های دیگر دارد یا خیر. معنای اصلی‌تر دارای خصوصیات زیر می‌باشد: ملموس تر است (آن را راحت‌تر می‌توان تصورکرد، دید، شنید، بوئید، و احساس کرد)؛ معمولاً ریشه در فعالیت‌های بدنی و فیزیکی دارد؛ دقیق‌تر است (در مقابل مبهم تر)؛ از نظر تاریخی قدیمی‌تر است؛ نکته قابل ذکر این است که معنای اصلی لزوماً رایج ترین و پرکاربردترین معنای واحد واژگانی نیست.

ج) اگر واحد واژگانی دارای معنای معاصر اصلی‌تر و مهم تری در سایر بافت ها می باشد، باید نشان داد که آیا معنای بافتی با معنای اصلی در تقابل می‌باشد یا خیر و آن معنا را براساس مقایسه با معنای اصلی می‌توان فهمید یا خیر.

٤. اگر جواب مثبت است، این واحد واژگانی را باید استعاره درنظرگرفت.

پس از تشخیص استعاره‌ها در جملات و تفکیک عبارت‌ها و واژگان استعاری از غیر-استعاری، نوبت تشخیص استعاره‌های عمدی است. جهت تشخیص استعاره‌های عمدی از غیرعمدی از روندتشخیص استعاره عمدی استفاده می‌شود.

زمانی‌که تمام واحدهای واژگانی موجود در متن از طریق روند تشخیص استعاره مشخص شدند، مرحله تشخیص استعاره عمدی است. برای این هدف، باید به اولین واحد واژگانی وابسته به استعاره نگاه کرد. در مرحله بعد باید تشخیص داد که آیا حوزه مبدا واژه استعاری قسمتی از معنای ارجاعی که بیان یا عبارت در آن به‌کار رفته است می‌باشد یا خیر. برای

اطمینان از قابلیت تولید مجدد و اینکه از شم زبانی مفسران دردخالت در تحلیل جلوگیری کنیم، می توان از فرهنگ لغت به عنوان پیکره استفاده کرد. در این پژوهش از دو فرهنگ لغت دهخدا و معین استفاده شده است. سر انجام اگر یک واحد واژگانی به عنوان استعاره عمدی تشخیص داده شد، تحلیلگر به دنبال توصیف این مطلب است که چگونه حوزه مبدا استعاره در معنای ارجاعی که گفتار در آن رخ داده است نقش دارد. به طور خلاصه مراحل تشخیص استعاره عمدی به صورت زیر می باشد:

۱ـ کل متن را بخوانیم برای اینکه تصور کلی از متن استخراج نماییم.

۲ـ روند تشخیص استعاره را برای یافتن تمامی واحدهای واژگانی استعاری اعمال نماییم.

۳-به اولین واحد واژگانی استعاری بنگریم.

٤-در این مرحله که مهمترین مرحله تشخیص استعاره عمدی است به این مهم میپردازیم که آیا حوزه مبدا واحد واژگانی، قسمتی از معنای ارجاعی پاره‌گفتار می‌باشد یا خیر؟ که در این حالت سه جواب خواهیم داشت :

الف-اگر جواب مثبت باشد، واحد واژگانی را به‌عنوان استعاره عمدی بالقوه درنظر می‌گیریم و وارد مرحله پنج می‌شویم.

ب-اگر جواب منفی باشد، واحد واژگانی را به‌عنوان استعاره غیرعمدی درنظر می‌گیریم و به مرحله شش می‌رویم.

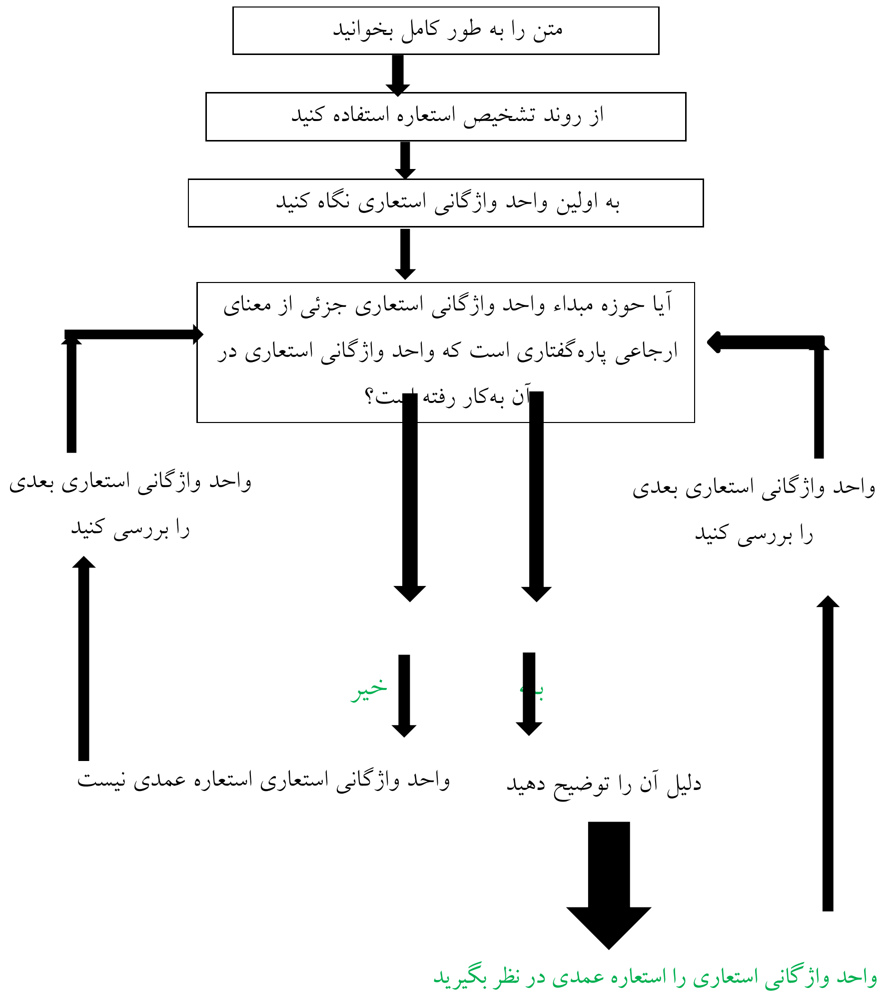
ج-در صورتی که دچار تردید باشیم، واحد واژگانی را به عنوان استعاره عمدی در نظر می‌گیریم و سپس به مرحله پنج وارد می‌شویم.

٥-در این مرحله چنانچه واحد واژگانی استعاری در مرحله چهار به‌عنوان واحد استعاری بالقوه کدگذاری شده باشد، اینکه چطور حوزه مبدا به عنوان قسمتی از معنای ارجاعی بیان می‌باشد را توصیف می‌کنیم.

٦-واحد واژگانی استعاری بعدی را تحلیل می‌کنیم.

تصویر زیر خلاصه روند تشخیص استعاره های عمدی را نشان می دهد:

**نمودار ۱- روند تشخیص استعاره‌های عمدی[6]**




**٤. روش شناسی پژوهش**

روش تحقیق پژوهش حاضر کیفی، از نوع تحلیل محتوای متن و در چارچوب زبـان‌شناسـی شناختی انجام گرفته است . در این تحقیق به بررسی استعاره‌های عمدی در متون خبری زبـان

---

٦.DMIP (deliberate Metaphor Identification Procedure

فارسی از دیدگاه نظریه استعاره‌های عمدی پرداخته شده است. شیوهٔ تحلیل داده‌ها در این پژوهش، براساس نظریه استعاره‌های عمدی است که به تفصیل توضیح داده شد.

داده های این تحقیق، تمام عناوین خبری صفحه اول سه روزنامه کیهان، شرق و همشهری است که از مهرماه سال ۱۳۹۷ تا آخر شهریور ۱۳۹۸ به چاپ رسیده‌اند. روزنامه کیهان دارای ۹٤۸ عنوان خبری، روزنامه شرق ۹۳۵ عنوان خبری و روزنامه همشهری دارای ۱۵۱٦ عنوان خبری در صفحه اول خود بوده‌اند.

## ۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش بر اساس چارچوب پیشنهادی استین نشان داد که در روزنامه همشهری از میان ۱۵۱٦ عنوان خبری صفحه اول این روزنامه در ۱۳٤۰ مورد از عبارت‌های استعاری استفاده شده است که ۸۲۸ مورد آن استعاره عمدی و ۵۱۲ مورد استعاره غیرعمدی تشخیص داده شد. در روزنامه کیهان از میان ۹٤۸ عنوان خبری صفحه اول، در ۸۰۷ مورد از عبارت‌های استعاری استفاده شده است که ٤۷٤ مورد آن استعاره عمدی و ۳۳۳ مورد آن استعاره غیر عمدی است. و نهایتا از میان ۹۳۵ مورد عنوان خبری صفحه اول روزنامه شرق، ۹۲۳ مورد عبارت استعاری تشخیص داده شد که ۵۸۵ مورد آن استعاره عمدی و ۳۳۸ مورد دیگر استعاره غیر عمدی بودند. جدول زیر خلاصه تحلیل عناوین خبری صفحه اول این سه روزنامه را نشان می‌دهد:

**جدول ۱- خلاصه تحلیل عناوین خبری**

| | نام روزنامه | تعداد کل عنوان‌های خبری | تعداد کل عبارت‌های استعاری | | استعاره های عمدی | | استعاره های غیر عمدی | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| | | | مورد | درصد | مورد | درصد | مورد | درصد |
| ۱ | همشهری | ۱۵۱٦ مورد | ۱۳٤۰ | ۸۸/٤ | ۸۲۸ | ٦۱/۸ | ۵۱۲ | ۳۸/۲ |
| ۲ | کیهان | ۹٤۸ مورد | ۸۰۷ | ۹۱/۸ | ٤۷٤ | ۵۸/۷ | ۳۳۳ | ٤۱/۳ |
| ۳ | شرق | ۹۳۵ مورد | ۹۳۳ | ۹۹/۸ | ۵۸۵ | ٦۲/۷ | ۳۳۸ | ۳٦/۳ |

برای نمونه، تحلیل چند مورد از عنوان های خبری ارائه می‌شود. در این مثال ها مرحلـه اول و دوم روند تشخیص استعاره های عمدی انجام گرفته است، یعنی متن بـه طـور کامـل خوانـده شده است و روند تشخیص استعاره، ماهیت استعاری آنهارا ثابت کرده است.

۱-زنان تحصیلکرده موتور رشد اقتصاد (همشهری، چهارشـنبه ۱۵ فـروردین ۱۳۹۷. شـماره ۷۳۵۱)

در عبارت فوق، واژه موتور یک واژه استعاری در سطح زبانی است زیرا در حـوزه متفـاوتی نسبت به حوزه مقصد در عبارت موجود است. در حقیقت واژه موتور برای وسیله نقلیـه یـا هـر چیزی است که حرکت می کند، لیکن در این عبارت به عنوان جنباننده یا محرک اسـتفاده شـده است که حاکی از استعاری بودن واژه مورد نظر است. برای تشـخیص اینکـه از واژه موتـور بـه عنوان استعاره عمدی استفاده است یا خیر، باید دید که آیا حوزه مبدا نقشی در معنـای ارجـاعی عبارت دارد یا خیـر. ابتـدا مفهـوم واژه "موتـور" در *لغـت نامـه دهخـدا* را بررسـی مـی کنـیم: "دستگاهی با ساختمان خاص که مولد نیرو و به‌کارانـداز ماشـین، اتومبیـل، هواپیمـا، کشـتی و غیره است؛ محرک؛ جنباننده". در اینجا به دو دلیل واژه موتور را در گروه استعاره های عمـدی قرار می‌دهیم. اول اینکه واژه موتور یک استعاره مستقیم است (بین معنای واژه در فرهنگ لغـت (معنای لغوی) و معنای متنـی آن اختلافـی وجـود نـدارد. در حقیقـت موتـور بـا معنـی واقعـی جنباننده یا محرک در متن فوق مورد استفاده قرار می گیرد. با این حال یـک نگاشـت دو جانبـه ای به صورت تشبیه وجود دارد. بدین معنا که زنان تحصیلکرده به موتـور حرکتـی تشـبیه شـده است و این بدان معناست که یک منظر خارجی، گفتمان را بـه صـورت آنـی بـه مرجـع حـوزه مبداء متصل می‌کند. درنتیجه حوزه مبداء به‌عنوان مرجعی در گفتمان آورده می‌شود و این نشـان دهنده استعاره عمدی بالقوه می‌باشد. معنایی که به صورت ارجـاعی مـی‌تـوانیم در ایـن عبـارت بیان کنیم به این صورت است که "زنان تحصیلکرده همچون موتور(محرکی) برای رشد اقتصـاد هستند".

دلیل دوم اینکه پس از بررسی حوزه مبدا واحد واژگانی موتور به ایـن نتیجـه مـی‌رسـیم کـه حوزه مبدا این واحد واژگانی قسمتی از معنای ارجاعی است که این واحـد واژگـانی در آن بـه-کار رفته است. درحقیقت، واحد واژگانی موتور، ذهن شنونده را به صـورت خودکاربـه حرکـت

چرخ اقتصادی ارجاع می‌دهد. بنابراین، این واحد واژگانی استعاری را استعاره عمدی در نظر می‌گیریم.

۲-چتر کدام جریان سیاسی روی سر مفسدان اقتصادی است؟ (کیهان، یکشنبه ۲ دی ۱۳۹۷. شماره ۲۲۰۸۱ )

در این عبارت، واژه چتر واحد واژگانی استعاری است. واژه چتر با مفهوم متفاوتی نسبت به حوزه مقصد در عبارت موجود است. در فرهنگ لغت دهخدا، چتر "سایه‌بان کوچک دسته-داری است که در زیر آفتاب یا هنگام باریدن برف و باران روی سر نگه می‌دارند". در اینجا واژه چتر خارج از حوزه مقصد مفسدان اقتصادی است. یعنی درواقع یک تضاد معنایی به‌طور آشکارا ذهن مخاطب را درگیر خود می‌کند که آیا مفسد اقتصادی بایستی از کدام منظر تحت حمایت قرار گیرد. از لحاظ معنای متنی، چتر معنای حمایت کردن را دارد. واژه چتر همچنین، خارج از حوزه مقصد در عبارت مفسدان اقتصادی قرار دارد. این واژه علاوه بر اینکه از منظر واژگانی، استعاری محسوب می‌شود (حوزه متفاوتی نسبت به معنای اصلی خود دارد. این واژه به معنای حمایت کردن و تحت پوشش قرار دادن است)، به عنوان استعاره عمدی در این عبارت آورده شده است.

واژه استعاری چتر به دو دلیل استعاره عمدی است. نخست اینکه این واژه از لحاظ زبانی به عنوان اصطلاح استعاری در لایه زیرین ذهن قرار دارد. به این معنی که آنچنان که چتر در معنای واژگانی به عنوان ابزاری جهت حفاظت در برابر عوامل محیطی مورد استفاده قرار می-گیرد، در این عبارت نیز چتر به عنوان ابزار حمایت به‌کار می‌رود و ابزاری ارتباطی بین کاربران زبان می‌باشد.

دوم اینکه باید ببینیم آیا حوزه مبداء واحد واژگانی چتر به عنوان قسمتی از معنای ارجاعی که این واحد واژگانی در آن به‌کار رفته است می‌باشد یا خیر. چنانچه حوزه مبداء آن واحد واژگانی، قسمتی ازمعنای ارجاعی عبارت باشد، استعاره عمدی است. واژه چتر، ذهن خواننده یا شنونده را بلافاصله به مفهوم حمایت کردن سوق می‌دهد و نشان می‌دهد چتر در حقیقت در گروه استعاره‌های عمدی قرار می‌گیرد.

۳-کوه کانال مالی اروپا موش زایید. (کیهان، شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۷. شماره ۲۲ ۱۱٦)

در این عبارت با دو واژه استعاری روبـرو هسـتیم. واحـد واژگـانی اول کـوه مـی باشـد. در فرهنگ لغت، کوه عبارت است از "هر برآمدگی کلان و مرتفعی در سطح زمـین خـواه از خـاک باشد یا سنگ و به تازی، جبل گویند". واحد واژگانی دوم موش اسـت کـه در هـر دو فرهنـگ لغت(دهخدا،معین) ، چنین معنی شده است: "موش علاوه بر اینکه از لحاظ جثه جانوری بسـیار کوچک، از راسته جوندگان می‌باشد، بسیار موذی و خطرناک است که می‌تواند باعث خسـارات بسیاری برای انسان شود".

ابتدا به بررسی واژه کوه در عبارت استعاری "کوه کانال مالی اروپا "می‌پـردازیم. سـه کشـور آلمان، فرانسه و انگلیس با انتشار بیانیه ای اعلام کردند که کانال ویژه تجارت بین ایران و اروپـا با نام رسمی "INSTEX" (سامانه پشتیبان مبادلات مـالی) ثبـت شـده اسـت و یـک بانکـدار آلمانی ریاست آن را به عهده گرفته است. پس از خروج آمریکا از برجـام، اروپـا قـرار بـود بـه منظور مقابله عملی با تحریم‌های ضد ایرانی تضمین بدهد. اما در نهایت تعهدات برجامی اروپـا در گام اول به SPV (مبادله نفت در برابر کالا) تقلیـل یافـت و در گـام دوم نیـز بـه INSTEX (مبادله پول نفت دیگر کشور ها با غذا و دارو) فروکاسته شد. در واقع آنچه که در ابتدا اروپـا از خود به عنوان کوه که خود سمبل استقامت، مقاومت و پایداری است، یـاد کـرده اسـت پـس از مدتی فرو پاشید. کوه در این عبارت در حوزه واژگان اسـتعاری قـرار دارد. معنـای واقعـی کـوه دارای حوزه متفاوتی نسبت به حوزه مقصد در عبارت فوق می باشـد. کـوه همچنـین بـه گـروه استعاره‌های عمدی تعلق دارد، زیرا حوزه مبداء واژه کوه قسمتی از معنای ارجاعی اسـت کـه از آن در متن استفاده شده است. در واقع واژه کوه همان استواری و ابزار پشـتیبانی مبـادلات مـالی است.

واژه موش ذهن مخاطب را به سمت جانور ریز جثه و موذی می‌کشاند کـه مـی‌توانـد بـرای انسان ضرر به‌بار آورد. در این واژه استعاری، حوزه مبـداء مـوش بـه عنـوان قسـمتی از معنـای ارجاعی که در متن آورده شده است می‌باشد و بنابر این می‌توان واژه موش را بـه عنـوان واحـد استعاری عمدی در نظر گرفت.

٤-با دم شیر بازی نکنید. ( شرق، پنجشنبه ۲۷ دی ماه ۱۳۹۷. شماره ٤۲۸٥)

در این عبارت "شیر"، واحد واژگانی استعاری است. مخاطب این کلام پس از شـنیدن واژه شیر به صورت ناخودآگاه به بررسی نگاشت های حوزه مبداء و مقصد می پـردازد. از آنجـا کـه

معنای واژه شیر، دارای حوزه معنایی متفاوت از حوزه مقصد است، این واژه دارای مفهوم استعاری است.

در مرحله بعد باید مشخص شود که آیا واژه شیر در زیرمجموعه استعاره عمدی قرار می گیرد؟ بر اساس نظریه استعاره های عمدی، نخست به یافتن معنی واژه شیر میپردازیم. شیر در لغت نامه دهخدا چنین توصیف شده است: "حیوانی چارپا و سبع و درنده از نوع گربه که به تازی اسد می‌گویند. برق چنگال از صفات اوست. شیر کنایه از آن است که فردی بسیار شجاع و دلیر است". واژه شیر در عبارت فوق کنایه از قدرت، توانمندی و شجاعت ایران (ملت ایران) دارد. در چنین موردی که وجه مشترکی در بیان عبارت که نشان دهد که حوزه مبداء عبارت قسمتی از معنای ارجاعی باشد بیابیم، این واحد واژگانی را در گروه استعاره‌های عمدی قرار می‌دهیم.

۵-این سیل جاری جمعیت کابوس هر شب دشمن است .(کیهان، دوشنبه ۷ آبان ۱۳۹۷. شماره ۲۲۰۳۸)

در عبارت فوق ، دو واحد واژگانی استعاری وجود دارد: " سیل "و "کابوس". واژه سیل ، در عبارت "سیل جاری جمعیت"، ذهن مخاطب را به سمت گروهی از افراد که به صورت یکپارچه و منسجم در کنار هم در حرکت هستند سوق می‌دهد. در حقیقت حوزه مبداء در واحد واژگانی سیل متفاوت از حوزه مقصد آن می‌باشد. سیل، استعاره از جماعت افراد جامعه می‌باشد. پس از تشخیص سیل به عنوان واحد واژگانی استعاری، به بررسی آن در حوزه عمدی یا غیر عمدی می پردازیم. معنی سیل در فرهنگ لغت دهخدا چنین است:"آب بسیار که بر اثر باران های شدید یا ذوب برف ها به وجود آمده باشد". با توجه به تعریف استعاره عمدی، باید مشخص کرد حوزه مبداء به عنوان مرجع مستقل عمل می‌کند یا به عنوان قسمتی از معنای ارجاعی که متن در آن به‌کار رفته است. پس از بررسی معنی لغوی و تشخیص اینکه واحد واژگانی سیل به عنوان واژه زبانی استعاری، به کار می رود، با یافتن معنی فرهنگ لغت این واژه متوجه خواهیم شد که هر چند واژه سیل به عنوان واژه استعاری است، نمی توانیم آن را در حوزه استعاره عمدی قرار دهیم، زیرا حوزه مبداء واحد واژگانی قسمتی از معنای ارجاعی بیان که در آن به‌کار رفته است، نمی باشد. بنابراین سیل، استعاره عمدی نیست.

کابوس نیز واحد واژگانی استعاری است. اما برخلاف سیل، استعاره عمدی است. معنی "کابوس" در فرهنگ لغت عبارت است از:"بختک، حالت سنگینی و اختناقی که در خواب سنگین به انسان دست می‌دهد". این حالت خفگی و سنگینی در تنفس که در حوزه مبداء واحد واژگانی وجود دارد، قسمتی از معنای ارجاعی است که در متن استفاده شده است و در جواب این که آیا واحد واژگانی استعاری، جزئی از معنایی است که در عبارت آمده است، جواب مثبت است و بنابراین واحدواژگانی کابوس استعاره عمدی است .

٦-چرخ روان ترافیک با ساعت شناور (همشهری، شنبه ۲۲ تیر ۱۳۹۷. شماره ٧٤٢٩)

در این عبارت دو واحد واژگانی استعاری وجود دارد: "چرخ "و "ساعت ". پس از یافتن معنی آنها در فرهنگ لغت به این پرسش پاسخ می‌دهیم که آیا حوزه مبدا واحد واژگانی استعاری، قسمتی از معنای ارجاعی به‌کار رفته در متن می‌باشد یا خیر.در صورتی که پاسخ مثبت باشد آن واحد واژگانی را در گروه واژگان استعاری عمدی قرار می دهیم و در غیر این صورت استعاره غیر عمدی است.

چرخ، استعاره از ماشین است. مخاطب پس از شنیدن واژه چرخ در ذهن خود به دنبال بررسی مفهوم و یافتن حوزه مبداء می‌پردازد. معنی چرخ در فرهنگ لغت چنین است:" هر وسیله مدور که حرکت دورانی داشته باشد و حول محور خود بچرخد مانند چرخ دوچرخه یا چرخ اتومبیل". از آنجا که حوزه مبداء واحد واژگانی قسمتی از معنای ارجاعی است که در متن آمده است ،این واژه را در گروه استعاره عمدی قرار می‌دهیم.

واحد واژگانی استعاری دوم ساعت است که بایستی پس از تعیین حوزه مبداء آن که در حقیقت همان زمان کار ادارات است که تا ساعت نه، جهت بهبود بخشیدن به وضعیت ترافیک و کنترل آن ،همچنین آلودگی و نارسایی های احتمالی شبکه حمل و نقل ،به صورت شناور درآمده است. بنابراین ساعت در این عبارت استعاری اشاره به زمان دارد. حال با توجه به آنچه در فرهنگ لغت برای تعریف ساعت آمده است به بررسی آن می پردازیم.واژه ساعت در فرهنگ لغت دهخدا چنین آمده است:" آلتی که بدان وقت را به حسب ساعت شناسند". و نیز در فرهنگ لغت معین اشاره به هنگام، وقت و زمان شده است.در حقیقت حوزه مبداء واحد واژگانی قسمتی از معنای ارجاعی است که در عبارت به‌کار رفته است، بنابراین واژه ساعت در گروه استعاره‌های عمدی قرار می‌گیرد.

### ٦. نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت و جایگاه استعاره‌های مفهومی در حوزه زبان‌شناسی شناختی و همچنین به این دلیل که استعاره‌های عمدیبه‌عنوان یکی از موضوعات روز زبان شناسی‌شناختی و مطالعات استعاره در ایران ناشناس مانده است، پژوهش حاضر برای معرفی این نظریه و نقش آن در ایجاد ارتباط انجام گرفت.

نتایج این تحقیق نشان داد که استعاره‌ها با فراوانی بسیار بالایی در عنوان‌های خبری روزنامه‌های کثیر الانتشار به‌کار برده می‌شوند: ٨٨/٤ درصد از عناوین خبری روزنامه همشهری، ۹۱/۸ درصد عناوین روزنامه کیهان و بیشتر ازهمه ۹۹/۸ درصد عنوان‌های خبری روزنامه شرق دارای عبارت‌های استعاری بودند که از این میان حدود شصت درصد استعاره-های به‌کار برده شده از نوع استعاره‌های عمدی تشخیص داده شدند. شاید دلیل اصلی این کاربرد فراوان به نقش بنیادین استعاره در سازماندهی و ارائه اطلاعات انتزاعی و پیچیده مربوط می‌شود.

نتایج این تحقیق علاوه بر تاکید بر ساختار سه بعدی استعاره و نقش ارتباطی استعاره‌های عمدی در تبادل اطلاعات که در مطالعات استعاری پیشین نادیده گرفته شده بود، نشان می‌دهد که در متون خبری نیز مانند بسیاری از حوزه‌های دیگر، گاهی اوقات استعاره‌ها به صورتی کاملا عمدی به‌کار برده می‌شوند تا بتوانند علاوه بر جلب توجه مخاطب، موضوع مورد بحث را نیز توصیف کنند و توضیح دهند.

نتایج این تحقیق کاربردهای مختلف استعاره‌های عمدی را نیز در عناوین خبری روزنامه-های فارسی زبان نشان داد. نقش اصلی استعاره‌های عمدی، ایجاد ارتباط و انتقال اطلاعات از طریق جلب توجه مخاطبان و نقش توضیحی آن می‌باشد. در تمام مواردی که استعاره‌های عمدی به‌کار برده شدند، برای توضیح مفاهیم پیچیده انتزاعی به صورتی کاملا عمدی از حوزه-های مبداءآشناتری استفاده شد. در بعضی موارد نیز ترکیب استعاره‌های عمدی با طنز، به نظر می‌رسد نقش عمده ای در علاقمند کردن مخاطبان به دنبال کردن موضوع خبر داشته باشد.

## REFRENCES

١- Beger, A. (2011). Deliberate metaphors? An exploration of the choice and functions of metaphors in US-American College lectures. *Metaphorik.de, 20*, ٣٩–٦٠.

٢- Beger, A. (2016). Different functions of (deliberate) metaphor in teaching scientific concepts. *etaphorik.de, 26*, 57–84.

٣- Cameron, L. (2003). *Metaphor in Educational Discourse.* London/New york.

٤- Charteris-Black, J. (2013). *Analysing political speeches: Rhetoric, discourse and metaphor*. Basingstoke & New York: Palgrave-MacMillan.

٥- Charteris-Black, J., & Musolff, A. (2003). 'Battered hero' or 'innocent victim'? A comparative study of metaphors for euro trading in British and German financial reporting. *English for Specific Purposes, 22*, 153–١٧٦. doi:10.1016/ S0889-4906(02)00012-١

٦- Deignan, A. (2005). *Metaphor and corpus linguistics*. Amsterdam: John Benjamins.

٧- Gibbs, R. W. (1994). *The Poetics of Mind: Figurative Thought, Language, and Understanding*. Cambridge: Cambridge University Press.

٨- Gibbs, R. W. (2008). *The Cambridge Handbook of Metaphor and Thought*. Cambridge: Cambridge University Press.

٩- Gibbs, R.W. (2011). Are deliberate metaphors really deliberate? A question of human consciousness and action. *Metaphor and the Social World, 1*(1), 26–٥٢. doi:10.1075/msw.1.1.03gib

١٠- Gibbs, R.W. (2015a). Do pragmatic signals affect conventional metaphor understanding? A failed test of deliberate metaphor theory. *Journal of Pragmatics*, *90*, 77–87. doi:10.1016/j.pragma.2015.05.٠٢١

١١- Gibbs, R. W. & Chen, E. (2017). "Taking metaphor studies back to the Stone Age: A reply to Xu, Zhang, and Wu (2016)", in: *Intercultural Pragmatics 14* (1): 117–124.

١٢- Goatly, A. (1997). The language of metaphors. London/New York: Routledge.

١٣- Kövecses, Z. (2002). *Metaphor: A practical introduction*. Oxford: Oxford University Press.

١٤- Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: University of Chicago Press.

١٥- Lakoff, G., & M. Johnson. (1999). *Philosophy in the flesh: The embodied mind and its challenge to western thought*. New York: Basic Books.

١٦- Müller, C. (2008). *Metaphors dead and alive, sleeping and waking*.

١٧- Chicago/London: University of Chicago Press.

١٨- Müller, C. (2011). Are 'deliberate' metaphors really special? Deliberateness in the light of metaphor activation. *Metaphor and the Social World, 1*(1), 61–٦٦. doi:10.1075/msw.1.1.06mul

١٩- Müller, C. (2016). Why mixed metaphors make sense. In R.W. Gibbs (Ed.). *Mixing metaphor* (pp. 31–5٦). □□□□□□□□□: □□□□ □□□□□□□□□.

٢٠- Musolff, A. (2016). Cross-cultural variation in deliberate metaphor interpretation. *Metaphor and the Social World, 6*(2), 205–٢٢٤. □□□:١٠.١٠٧٥/ msw.6.2.02mus

۲۱- Ortony, A. (1993). *Metaphor and Thought*. Cambridge: Cambridge University Press.
۲۲- Pragglejaz Group. (2007). MIP: A method for identifying metaphorically used words in discourse‘, *Metaphor and Symbol* 22(1): 1–39.
۲۳- Reijnierse, G. W. (2017). *The Value of Deliberate Metaphor*. Utrecht: LOT.
۲٤- Semino, E. (2008). *Metaphor in discourse*. Cambridge: Cambridge University Press.
۲٥- Shen, Y., & N. Balaban. (1999). Metaphorical (in)coherence in discourse‘, *Discourse Processes* 28(2): 139–154.
۲٦- Steen, G. J. (2008). The paradox of metaphor: Why we need a three-dimensional model of metaphor. *Metaphor and Symbol,* 23(4): 213–241.
۲۷- Steen, G. (2010). *A method for linguistic metaphor identification.* Amesterdam: John Benjamins.
۲۸- Steen, G. (2011a). What does "really deliberate" really mean? *More thoughts on metaphor and consciousness and action*, 53-56.
۲۹- Steen, G. (2011b). From three dimentions to five steps:The value of deliberate metaphor. *metaphorik.de*, 83-110.
۳۰- Steen, G.J. (2013). Deliberate metaphor affords conscious metaphorical cognition. *Cognitive Semiotics, 5*(1-2), 179–۱۹۷. □□□:۱۰.۱٥۱٥/□□□□□□.۲۰۱۳.٥.
۱۲.۱۷۹
۳۱- Steen, G. (2015). Developing, Testing and interprating Deliberate Metaphor Theory. *Journal of pragmatics*, 67-72.
۳۲- Steen, G.J. (2016). Mixed metaphor is a question of deliberateness. In R.W.Gibbs (Ed.), *Mixing metaphor* (pp. 113–132).
۳۳- Steen, Gerard J. 2017. “Deliberate Metaphor Theory: basic assumptions, main tenets, urgent issues”, in: *Intercultural Pragmatics 14* (1): 1–24.
۳٤- Steen.Gerard/Dorst, A. (2010). A method for linguistic method identification. *From MIP to MIPVU*

# deliberate metaphor in persian newspaper headlines

**Maryam Molaei(Corresponding Author)**[1]
**PhD student, Islamic Azad University, Abadeh, Iran**

**Mohammad Amin Sorahi**
**Assistant Professor of Guilan University**

**Mohammad Rostampour**
**Assistant Professor of English Language and Literature, Islamic Azad University, Abadeh, Iran**

**Received: 20/01/2021 Accepted:13/03/2021**

For a few decades, the studies of cognitive linguists interested in metaphors dedicated to the identification and description of metaphors and the two dimensional relationship between mind and language. But Steen's (2008) studies on metaphorical patterns showed that there is a third communicative dimension about some metaphors which cannot be explained by the two dimensional theories of metaphor. In the third dimension, a distinction is made between deliberate and non-deliberate metaphors. This study is aimed at introducing the theory of deliberate metaphor by analyzing Iranian newspaper headlines within the theory of deliberate metaphor. The results of this study show that in addition to the three dimensional structure of metaphors and their communicative role in exchanging information which were neglected in previous studies, in newspaper headlines like many other domains, metaphors are sometimes used quite deliberately to lead their audience attention to specific topics to be described and explained

**Keywords:** metaphor, deliberate metaphor, non-deliberate metaphor, source domain, cognitive linguistics

1 marmar942@yahoo.com